



اولین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار ۲۸-شهریور ۱۳۹۲

سیاست های ملی و منطقه ای و نقش آن در ایجاد توسعه شهری پایدار (مطالعه موردی: ناحیه زنجان)

محمود یزدانی امیری^۱، احسان رشید بیگی^{*۲}

مجیداسدی^۳، بهاره بابایی ارباطان^۴، هیرش صفایی^۵، مرضیه تالشی^۶

۱- استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان

()- (ehsan.rashidbeigi@gmail.com)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان

۳- دانشجوی کارشناسی اب و هواشناسی دانشگاه زنجان

۴- دانشجوی کارشناسی اب و هواشناسی دانشگاه زنجان

۵- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان

۶- دانشجوی کارشناسی جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان

چکیده

در دهه های اخیر نظریات نوینی همچون برنامه ریزی ملی و منطقه ای و پایداری و توسعه پایدار مطرح شده اند. این نظریات در ابتدای امر در پی پاسخ به ناملازمات زیست محیطی بیان شد و پیرو حفاظت از محیط زیست تحت بیانیه هایی که غالبا در مجامع بین المللی صادر شده بود عمل می کردند. پس از گذشت چندی متوجه این امر شدند که مشکل دنیای امروز در گرو حل مسائل زیست محیطی نیست و مسائل اجتماعی و اقتصادی هم نیاز به بررسی دارد. در نتیجه رویکردهای اجتماعی، اقتصادی نیز در سطر اهداف آنها واقع شد. در عصر حاضر برنامه ریزی و خصوصا توسعه پایدار نمود جهانی پیدا کرده است به نحوی که مجامع بین المللی خواستار تحقق توسعه پایدار و پایداری در همه کشورها هستند. با استناد به این دو نظریه، نظریه پردازان به گونه های زیادی از شهرها، محله ها و مسکن پایدار رسیده اند. در نوشتار پیش رو با استفاده از روش کتابخانه ای و اسنادی در ابتدای امر به برنامه ریزی ملی، منطقه ای و ناحیه ای



و سپس کندوکاوی تفضیلی در مبداء و مفهوم پایداری و توسعه پایدار، اهداف و انواع آن و در انتها به بررسی دو گونه مطرح شده مهم شهر پایدار پرداخته می شود. پس از آن به بررسی برخی از شاخص های توسعه پایدار ناحیه زنجان می پردازیم.

واژگان کلیدی: برنامه ریزی ملی، برنامه ریزی منطقه ای و ناحیه ای، پایداری، توسعه پایدار، استان زنجان.

۱- مقدمه

بعد از جنگ جهانی دوم و به دنبال نارسایی هایی که در زمینه اقتصاد کشورهای درگیر جنگ پیش آمد، نظام برنامه ریزی مورد توجه سیاستگذاران و مسئولان قرار گرفت. برنامه ریزی های اولیه که خاستگاه آن را می توان کشورهای اروپای شرقی و سپس اروپای غربی و آمریکا دانست بیشتر جنبه اقتصاد ملی را دنبال می نمودند. بعد از اجرای چند برنامه توسعه اقتصادی نتایجی پدیدار شد که می توان اثرات آن را در عدم تعادل های فضایی و بهم خوردن توازن فضایی مناطق این کشورها مشاهده نمود. با توجه به عملکرد منفی این نوع از برنامه ریزی، بتدریج روابط میان بخشی و میان منطقه ای با چارچوب فضایی مورد توجه قرار گرفت. همچنین با اتخاذ یکسری سیاست ها در جهت یکپارچه کردن برنامه ریزی در ابعاد منطقه ای، این توجه قوت بیشتری گرفت. لذا برنامه ریزی از پرداختن محض به پروژه های عمرانی و نوسازی اقتصادی پا فراتر نهاده و مدیریت اقتصاد منطقه ای شکل گرفت. هرچند که مفهوم و تکنیک های برنامه ریزی منطقه ای در چند دهه ی اخیر مطرح شد اما خیلی زود جایگاه خود را در میان نظام برنامه ریزی کشورها پیدا کرد. کشورهای مختلف جهان از جمله، فرانسه، ایتالیا، یوگوسلاوی، کره و ... به این نوع برنامه ریزی توجه خاصی نمودند. مهمترین دلیل و انگیزه پرداختن به این روند (برنامه ریزی منطقه ای) را می توان در عقب ماندگی ها و شکاف های ایجاد شده فضایی بین مناطق دانست که خود مولود برنامه ریزی غیر فضایی ملی و بخشی است. برنامه ریزی اقتصاد ملی نمی تواند پاسخگوی احتیاجات مناطق باشد. دید همه جانبه ای که مناطق مختلف کشور نسبت به برنامه ریزی طلب می نماید می بایستی در پهنه بندی فیزیکی جای داشته باشد که از برنامه ریزی اقتصاد ملی ساخته نیست.

از جانب دیگر هرچند جایگاه فضایی و فیزیکی وارد عمل می شود اما با دیدی محلی و بدون توجه به رابطه ای که شهر با منطقه ای که در آن قرار دارد، عمل می کند که از نظر جامعیت برنامه ای ناقص بوده و نمی تواند جوابگوی توسعه شهر در قالب منطقه ای باشد. منطقه از شهر کوچکتر و از منطقه ی شهری بزرگتر است. لذا دارای ویژگی های محیطی خاص خود از نظر فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی است و ساختارهای خاص خود را نیز دارا می باشد. در این جاست که برنامه ریزی منطقه ای نظامی را بوجود آورده که نیازهای منطقه ای را در قالب برنامه ریزی ملی مورد توجه قرار می دهد و سعی در پر نمودن شکاف بوجود آمده بین مناطق در دو سطح ملی و محلی دارد. فرایند برنامه ریزی منطقه ای در جهت سازگاری بین تنظیم برنامه و اجرا متناسب با سطح امکانات و محدودیت های آن منطقه است لذا سعی دارد معنای غیر متمرکز از برنامه ریزی را نشان دهد و مشارکت مردم را در امر برنامه ریزی تشویق نماید، از این جهت زمینه ای را مهیا سازد که بتوان در آن از همکاری، ابتکارات و خلاقیت های مردم در جهت توسعه بهره گرفت و کار برنامه ریزی برای مردم را به خود آنها سپرد.